

[تاریخ مختصر]

ترجمه ادبیات انگلیسی به فارسی^۱

کریم امامی

ترجمه مصطفی حسینی

در دوره تسلط [زبان] فرانسه، اولین متون ترجمه‌شده از انگلیسی به فارسی معاهده‌ها و مناسبات دیپلماتیک بود. در دهه‌های آغازین قرن نوزدهم ایرانیان انگشت‌شماری می‌توانستند چنین ترجمه‌هایی را بفهمند، اکثر همان اقلیت انگشت‌شمار نیز تجربه زندگی در هندوستان و کار در کمپانی هند شرقی را داشتند. یک نمونه از این افراد جعفرخان نواب (و. ۱۸۱۹/۱۲۳۴) است که بعد از آموزش نظامی در هند به ایران بازگشت و در شیراز اقامت گزید. وی در شیراز صاحب خانواده‌ای شد که به نواب هندی معروف شدند. مردان این خاندان برای چندین نسل مترجم، کارمند سفارتخانه، و کارگزار کنسولگری بریتانیا بودند. مترجمان دیگر، ارمنی‌ها و آسوری‌هایی بودند که پس از عزیمت به شامات^۲ به‌عنوان دراگومان^۳ (تصحیف ترجمان «دیپلماسی، مترجم») خدمت کرده بودند. از جمله آنها مسیو جبرئیل نامی بود که حسین‌خان آجودان‌باشی را در مأموریت دیپلماتیکش به اروپا در ۱۸۳۹/۱۲۵۵ همراهی کرد. همتای جبرئیل در انگلستان میرزا ابراهیم شیرازی (و. ۱۸۶۷/۱۲۷۳)، استاد فارسی و عربی در مدرسه فنی حرفه‌ای کمپانی هند شرقی در هیل‌بوری^۴ بود؛ او در ابتدا به درخواست مبلغ مذهبی انگلیکان، پدر روحانی جوزف ولف^۵ – که در ۱۸۲۵/۱۲۴۰ از ایران دیدن کرده بود – به انگلستان رفته بود. میرزا ابراهیم مترجم معتمد وزارت امور خارجه بریتانیا بود.

از گروه دوم دانشجویان ایرانی که در ۱۸۱۵/۱۲۳۰ برای تحصیل به انگلستان عازم شدند دو تن هنگام بازگشت به وطن مشغول کار ترجمه شدند. یکی میرزا صالح شیرازی بود که یادداشت‌های روزانه اقامت او در انگلستان مشهور است؛ او یکی از اولین دستگاه‌های چاپ را در ایران، در تبریز، اندکی بعد از ۱۸۱۹/۱۲۳۴ تأسیس کرد و در ۱۸۳۷/۱۲۵۳ در تهران

روزنامه‌ای به اسم *کاغذ/خبر* (برساختی^۶ برای «روزنامه») را منتشر کرد. دیگری میرزارضای مهندس (مهندس‌باشی بعد) بود که مهندس نظامی شد و آثاری چند از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد، از جمله *تاریخ ناپلئون اول* اثر والتر اسکات^۷ و بخشی از *تاریخ تنزیل و خرابی دولت روم* اثر ادوارد گیبون^۸. چنان‌که انتظار می‌رود کتاب‌های مربوط به تاریخ و جغرافیا در ایران قرن نوزده نسبت به آثار ادبی خواهان بیشتری داشت. تأسیس دارالفنون در ۱۲۶۸ق/۱۸۵۱ نیز به تقاضا برای ترجمه متون درسی اروپایی و کتاب‌های راهنمای درسی دامن زد. اما بیشتر آنها از فرانسوی یا آلمانی ترجمه می‌شد.

نخستین گام‌ها به سوی تجدید در ایران در دوران سلطنت بلندمدت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ق/۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶) برداشته شد. دستگاه‌های چاپ در شهرهای بزرگ افزایش یافت، و تعداد معدودی کتاب، به وسیله چاپخانه و ترجمه‌خانه دولتی (دارالطباعه و دارالترجمه ممالک مشروعه ایران، وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی بعدی) منتشر شد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، درباری باسوادی که به مدت سه سال نماینده سیاسی ایران در پاریس بود، برای یک ربع قرن (۱۲۸۸ تا ۱۳۱۳ق / ۱۸۱۷ تا ۱۸۹۶) به اداره آن گماشته شد. اغلب ترجمه‌هایی که به فرمان او انجام شد آثار غیرداستانی از فرانسه بود.

ناصرالدین‌شاه به آگاهی درباره تاریخ سرزمین‌های همسایه و زندگانی شخصیت‌های تاریخی مشهور و همچنین سفرنامه‌ها، که به ترجمه آنها فرمان می‌داد، علاقه زیادی داشت. اگرچه بیشتر این آثار به فرانسه، و شماری اندک به انگلیسی، بود، اما زمانی که این ترجمه‌ها تمام می‌شد، قبل از اینکه آنها را به حضور شاه عرضه کنند، خوشنویسان آنها را رونویسی و با چرم جلد می‌کردند. بیشتر این دست‌نویس‌ها برجای مانده است و در *کتابخانه گلستان* در تهران نگهداری می‌شود. مترجمی برجسته که یک دهه قبل از پیوستن به وزارت امور خارجه ایران برای دارالترجمه دولتی کار می‌کرد، آوانس (هوهانس) خان ماسحیان (۱۲۸۰ تا ۱۳۵۰/۱۸۶۴ تا ۱۹۳۱) [ملقب به مساعدالسلطنه و معروف به آوانس خان مساعد] بود. آوانس، ارمنی تحصیل کرده فرانسه، تعدادی کتاب از فرانسه و انگلیسی به فارسی ترجمه کرد، به ویژه *سفرنامه استانیلی به آفریقا*^۹ اثر هنری مورتن استنلی، *سفرنامه سر آنتونی شرلی* به ایران [با عنوان *سفرنامه برادران شرلی*]^{۱۰}، *ایران و ایرانیان*^{۱۱} اثر اولین نویسنده ارمنی س. گ. بنیامین، و *تاریخ جنگ سیوی در هندوستان ۱۸۵۷-۸* اثر ج. و. کی^{۱۲}. نقل است که او تعدادی از نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر را نیز به ارمنی ترجمه کرده است. از ترجمه‌های آوانس خان برخی منتشر و شماری هم در سال‌های اخیر بازنشر شده‌اند. دیگر مترجم شایسته

در دوره قاجار ابوالقاسم خان قراگوزلو ناصرالملک (۱۲۸۱ تا ۱۳۰۶ / ۱۸۶۵ تا ۱۹۲۷)، تحصیل کرده آکسفورد، بود که به مناصب عالی نیز دست یافت. دو بار وزیر کابینه بود و مدت کوتاهی نیز در شهریور ۱۲۸۶ / سپتامبر ۱۹۰۷ ردای صدراعظم بر تن کرد. وی چالش ترجمه *اتلوی* شکسپیر را به فارسی پذیرفت. این ترجمه با وجود اینکه از نقاط عطف ترجمه ادبی در عصر قاجار به شمار می رود، مدت ها منتشر نشد تا اینکه پسر او، حسین علی خان قراگوزلو، آن را در ۱۹۶۱ در شمارگان محدود در فرانسه منتشر کرد^{۱۳}. بر طبق شنیده ها ناصرالملک تاجر ونیزی را نیز ترجمه کرده است. اما خانواده قراگوزلو تاکنون برای انتشار آن اقدامی نکرده است^{۱۴}.

فرانسه تا پایان جنگ جهانی دوم همچنان زبان اروپایی غالب در میان نخبگان ایرانی تحصیل کرده بود، و بیشترین ترجمه ها از این زبان انجام می شد. حتی آثاری که در اصل به انگلیسی بودند اول بار از رهگذر ترجمه از فرانسه به خوانندگان ایرانی معرفی شد. یک نمونه درخشان در این زمینه ترجمه میرزا حبیب اصفهانی (۱۲۵۰ تا ۱۳۱۱ ق) از *رمان عیاری سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* جیمز موریه^{۱۵} از روی نسخه فرانسوی بود. این ترجمه که از دید همگان ترجمه ای ممتاز است، در ۱۳۲۴ / ۱۹۰۵ در کلکته منتشر (و در صفحه عنوان به غلط به شیخ احمد روحی منسوب شد) و سپس چندین بار در ایران بازنشر شد. *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* پس از انتشار با استقبال گسترده مواجه شد و در شکوفایی نثر فارسی تأثیر به سزایی داشته است. از نمونه های دیگر می توان به *جاده تنباکو* اثر ارسکین کالدول^{۱۶} ترجمه رضا سید حسینی در ۱۳۳۳ / ۱۹۴۵، *طوفان* شکسپیر ترجمه پرویز ناتل خانلری احتمالاً در دهه ۱۹۳۰، *هیاهوی بسیار بر سر هیچ* شکسپیر ترجمه عبدالحسین نوشین ۱۳۲۹ / ۱۹۵۰، *اتلوی* شکسپیر ترجمه محمود اعتمازاده (م. ا. به آذین) در ۱۳۳۷ / ۱۹۵۸، و *تصویر دوریان گری* اسکار وایلد در ۱۳۲۷ / ۱۹۴۸ ترجمه رضا مشایخی اشاره کرد. یک نمونه عجیب، ترجمه سه داستان کوتاه اثر آرتور کانن دوویل با نام *کتاب شرلوک خومس* به قلم اسماعیل عبدالله زاده در ۱۳۲۳ / ۱۹۰۵ بود.

انواع ادبی انگلیسی زبان که در این دوره مقبولیت یافت و مستقیماً از انگلیسی ترجمه شد، داستان های پلیسی و جنایی برای خوانندگان جوان بود. افزون بر رایینسون کروزو دنیل دفو ترجمه محمد علی خان در تاریخی نامعین، عبدالحسین میرزا در اوایل ۱۳۲۲ / ۱۹۰۴ *پلیس لندن* کانن دوویل را به فارسی ترجمه کرد، دو دهه بعد مجموعه ادگار رایس باروز درباره *تارزان* میمون^{۱۷} و ماجراهای کارآگاهی خصوصی به نام *نات پنکرتون* اثر دیوید فروم^{۱۸} ترجمه و

به صورت هفتگی منتشر شد. ذبیح‌الله منصوری (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ / ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵)، مترجم مستقل ادبیات بازاری از فرانسه و انگلیسی، غالباً ترجمه‌هایی کاملاً آزاد، به صورت پاورقی، از داستان‌های آگاتا کریستی و دوروتی لی سایرز^{۱۹} در روزنامه کوشش و دوهفته‌نامه خواندنی‌ها منتشر می‌کرد. او بیش از شصت سال در این زمینه فعال بود، و دستاورد استثنایی او حتی امروز نیز بازنشر می‌شود.

گسترش ترجمه‌ها از زبان انگلیسی. شروع جنگ جهانی دوم و در پی آن اشغال ایران به دست نیروهای متفقین در ۱۳۲۰/۱۹۴۱ آشوب سیاسی بیشتری در این کشور ایجاد کرد. این حادثه به تسلط زبان فرانسه به عنوان زبان خارجی محبوب و اولین زبان اروپایی که در مدارس ایران تدریس می‌شد پایان داد. با حضور نیروهای انگلیسی و آمریکایی در ایران، یادگیری انگلیسی اهمیت یافت، و بعدها بسیاری از دانش‌آموزان برای تکمیل تحصیلات خود به انگلستان و ایالات متحده رفتند. بدین روی زبان انگلیسی جایگزین زبان فرانسه شد، و ترجمه آثار ادبی از انگلیسی رو به فزونی نهاد. نویسنده‌ای آمریکایی که در این برهه دست کم پنجاه عنوان از کتاب‌هایش به فارسی ترجمه شده است جک لندن بود. نیروهای چپ او را به عنوان نویسنده طبقه کارگر می‌ستودند. ارنست همینگوی، جان اشتاین‌بک (آثار اولیه‌اش) و در میان نویسندگان انگلیسی چارلز دیکنز نیز در این محافل محبوب بودند.

در طول دوران جنگ، نیروهای متفقین تعدادی نشریه فارسی زبان در ایران توزیع کردند، در این بین، برخی از آنها در هند و فصل‌نامه روزگار نو در لندن منتشر می‌شد. شماری از فرهیخته‌ترین ایرانیان - مانند مجتبی مینوی و حسن موقر بالیوزی (کارمند سرویس رادیو بی‌بی‌سی نویناد) - که مقیم انگلستان بودند همچنان به ترجمه آثار ساموئل تیلر کولریج، جورج لرد بایرون، و دیگر شاعران دوره رمانتیک ادامه دادند. برگردان فارسی مشهور مینوی از تک‌گویی هملت، «به بودن یا نبودن»، ابتدا در این نشریه منتشر شد که مخاطبان بسیار یافت و بر نسل جوان‌تر مترجمان تأثیر شگرفی گذاشت.

بعد از سقوط دولت محمد مصدق در ۱۳۳۲/۱۹۵۳ [و استیلاي فضای اختناق و نومیدی] به طرز چشمگیری از تمایل روشنفکران برای آمیختن فعالیت‌های ادبی، از جمله ترجمه، به سیاست کاسته شد. در تهران، برخی ناشران تجاری مانند صفی‌علیشاه، نیل، معرفت و بعداً امیرکبیر، از کوشش‌های مترجمان جوان ادبیات داستانی جدی به فارسی استقبال کردند، اگرچه بخش اعظم این آثار هنوز از زبان فرانسه بود. در این اثنا تعدادی از ایرانیان تحصیل کرده در انگلستان یا آمریکا به وطن بازگشته بودند، و به علاوه دو نمایندگی،

یکی بنگاه نوپای ترجمه و نشر کتاب و دیگری مؤسسه فرانکلین شعبه تهران - نهاد غیرانتفاعی آمریکایی که هدفش ترویج کتاب‌های آمریکایی در خارج بود - به افزایش تعداد آثار داستانی ترجمه‌شده از انگلیسی کمک کرد. کوشش‌های مشترک این دو نمایندگی و ناشران مستقل به افزایش معنادار ترجمه آثار کلاسیک غرب و آثار مشهور نویسندگان معروف بریتانیایی، ایرلندی و آمریکایی در طی دو دهه انجامید.

همینگوی به محبوب‌ترین نویسنده آمریکایی در میان خوانندگان ایرانی تبدیل و تقریباً تمام رمان‌ها و داستان‌های کوتاه او ترجمه شد. تنها، از داستان کوتاه *آدمکش‌ها* دست کم ده ترجمه عرضه شده است؛ قدیمی‌ترین ترجمه آن به قلم مجید تهرانیان (۱۳۱۶ تا ۱۳۹۱) بود. برخی از نمایشنامه‌های یوجین اونیل (*سفر دراز روز در شب*)^{۲۰}، تنسی ویلیامز (*گره روی شیروانی داغ*)^{۲۱} و آرتور میلر (*بوته آزمایشگاهی*)^{۲۲}. ترجمه و در تهران اجرا شد. اشعار تی. اس. الیوت، رابرت فراست، والت ویتمن، و هنری وادزورث لانگفلو نیز ترجمه شد. برخلاف منصوروی همیشه محبوب، مترجمان این دوره کوشیدند در عین ارائه ترجمه‌ای روان و سلیس به متن اصلی نیز وفادار بمانند. ترجمه‌هایی که به سفارش بنگاه ترجمه و موسسه فرانکلین انجام می‌شد قبل از انتشار بررسی و ویرایش می‌شد، از این رو اکثر آنها ترجمه‌های قابل اعتمادی هستند.

در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گروه جدیدی از مترجمان، که عمدتاً افراد دانشگاهی یا کارمندان بلندمرتبه بودند، به وجود آمد. این گروه شامل حمید عنایت، نجف دریابندری، و عزت‌الله فولادوند بود. آنها هم آثار داستانی و هم غیرداستانی ترجمه می‌کردند. در این دو دهه ترجمه چندان رواج یافت که بسیاری از آثار دیگر زبان‌ها (یونانی، لاتین، چینی، ژاپنی، روسی، زبان‌های اسکاندیناویایی، آلمانی، ایتالیایی، و اسپانیایی) از رهگذر زبان میانجی انگلیسی به فارسی ترجمه می‌شد. مثلاً بهترین ترجمه‌های افلاطون و ارسطو از روی ترجمه‌های انگلیسی، گاه با مراجعه به ترجمه‌های فرانسوی، صورت گرفته است. حتی امروزه نیز آثار رمان‌نویسان آمریکایی لاتین مانند گابریل گارسیا مارکز و کارلوس فونتنس از انگلیسی یا فرانسه ترجمه می‌شود. این روند در تمام رشته‌های علوم انسانی مانند تاریخ، روان‌شناسی، فلسفه و الهیات - که مترجمان ایرانی از طریق انگلیسی به منابع متعددی مراجعه می‌کنند - نیز مشهود است. از میان ترجمه‌های شاخص این دست آثار می‌توان به *شهریار نیکولو ماکیاولی ترجمه م. محمود ۱۳۴۲/۱۹۴۵* و *ترجمه داریوش آشوری ۱۳۶۶/۱۹۸۷*، *چنین گفت زرتشت ۱۳۵۱/۱۹۷۳* و *فراسوی نیک و بد ۱۳۶۲/۱۹۸۳* اثر فریدریش نیچه ترجمه داریوش آشوری،

پنج گفت‌وگو ۱۳۴۴/۱۹۵۵ و چهار گفت‌وگو ۱۳۳۶/۱۹۵۷ ترجمه م. صناعی ۱۹۵۷، جمهوری افلاطون ۱۳۳۵/۱۹۵۶ ترجمه فؤاد روحانی و نمایشنامه پدر آگوست استریندبرگ ۱۳۳۷/۱۹۵۸ ترجمه م. فروغی اشاره کرد.

اگرچه قالب‌ها و گونه‌های ادبی بریتانیایی و آمریکایی بر آثار رمان‌نویسان و داستان‌کوتاه‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان ایرانی در قرن بیستم تأثیر گذاشته، اما این تأثیرات بیشتر به واسطه زبان اصلی بوده است تا از طریق ترجمه‌ها. پیشگامان ادبیات داستانی مانند صادق هدایت (۱۲۸۱ تا ۱۳۳۰)، صادق چوبک، ابراهیم گلستان و جلال آل‌احمد (۱۳۰۲ تا ۱۳۴۸) با یک یا چند زبان اروپایی آشنایی داشتند و می‌توانستند آثار هم‌نگوی و ویلیام فاکنر را به زبان اصلی بخوانند. باین‌همه، ترجمه آثار این دو نویسنده تا حدی بر سبک نویسندگان جوان‌تر ایرانی تأثیر گذاشت. رمان‌های اسماعیل فصیح، شهرنوش پارس‌پور، جعفر مدرس صادقی و عباس معروفی از آشنایی با آثار این دو نویسنده آمریکایی حکایت می‌کند. بعد از انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ ضرب‌آهنگ ترجمه از انگلیسی شتاب بیشتری گرفت؛ زیرا برخی مترجمان شغل خود را از دست دادند و از این رو وقت بیشتری برای پرداختن به ترجمه داشتند. آنها یک‌شبه مترجمان تمام‌وقت شدند. افزایش ناگهانی فروش کتاب در سال‌های نخست پس از انقلاب موجی از خوش‌بینی در بازار نشر پدید آورد. هم آثار بریتانیایی و هم آمریکایی در این دوره ترجمه می‌شد. علاقه به ویرجینیا وولف، گراهام گرین، و جورج اورل رواج تازه‌ای یافت. آثار تعدادی از نویسندگان زن، مانند جورج الیوت^{۲۳} و جین ریس برای اولین بار ترجمه شد^{۲۴}. در میان نویسندگان آمریکایی آثار فاکنر، سینکلر لویس و نورمن میلر از نو ترجمه شد و حتی مترجمانی نیز به سراغ جیمز جویس رفتند.

کتابنامه

- کریم امامی، *از پست و بلند ترجمه: هفت مقاله*، تهران، ۱۳۷۲/۱۹۹۳.
- میرزا صالح شیرازی، *مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی*، ویراستار اسماعیل رائین، ۱۳۴۷/۱۹۶۸؛ ویراستار گ. ه. میرزا صالح، تهران، ۱۳۶۴/۱۹۸۵.
- دنیس رایت، *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*، ترجمه کریم امامی، تهران، ۱۳۶۴/۱۹۸۵.

پی‌نوشت:

۱ برگرفته از *دانشنامه ایرانیکا* (۱۹۹۸، ج. ۸، صص. ۴۵۰-۴۵۲).

3 dragoman

4 Hailey bury

5 Reverend Joseph Wolff

6 calque

7 Walter Scott's *Life of Napoleon Bonaparte*

8 Edward Gibbon's *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire*

9 *African Journal Through the Dark Continent*

10 *Sir Anthony Sherley; His Relation of His Travels into Persia*

11 *Persia and the Persians* by S. G. W. Benjamin

12 J. W. Kaye's *A History of the Sepoy War in India 1857-58*

۱۳ این نمایشنامه با عنوان *داستان غم/نگیز اتلو مغربی در وندیک* برای نخستین بار در ۱۳۷۵ به اهتمام انتشارات نیلوفر در ایران نیز چاپ شد. م

۱۴ این نمایشنامه تحت عنوان *داستان شورانگیز بازرگان وندیکی* برای اول بار در ۱۳۸۷ به همّت انتشارات نیلوفر در ایران نیز چاپ شد. م

15 James Morier's *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*

16 Erskine Caldwell's *Tobacco Road*

17 Edgar Rice Burroughs' *Tarzan of the Apes*

18 Nat Pinkerton by David Frome

19 Dorothy L. Sayers

۲۰ محمود کیانوش این نمایشنامه را با عنوان *سیر روز در شب* (۱۳۴۴) ترجمه و منتشر کرد. م
۲۱ پیش از ترجمه‌های متأخر این نمایشنامه اول بار جمشید ارجمند فیلم‌نامه این نمایشنامه را در کتاب *گریه روی شیروانی داغ و بیست و یک فیلم - قصه دیگر (روزنه کار، ۱۳۷۷)* ترجمه و منتشر کرد.
۲۲ محمدامین مؤید و رحیم اصغرزاده این نمایشنامه را با عنوان *جادوگران شهر سالم* (۱۳۴۵) ترجمه و منتشر کردند. ترجمه دیگری از این نمایشنامه با عنوان *ساحره سوزان* به قلم فریدون فاطمی (مرکز، ۱۳۶۸) نیز منتشر شده است. م

۲۳ نام واقعی او ماری آن ایوانس (Mary Ann Evans) بود. م

۲۴ گلی امامی رمان *دریای پهناور سارگاسوی* (Wide Sargasso Sea) جین ریس (Jean Rhys) را تحت عنوان *گردابی چنین هائل* (۱۳۷۰، نشر اسپرگ) ترجمه کرد. م